

تعهدات قراردادی فروشنده در عقد بیع در حقوق فرانسه

دکتر عبدالرسول دیانی وکیل پایه یک دادگستری و استادیار دانشگاه

در حقوق فرانسه خریدار ناراضی از بیع انجام گرفته دعاوی متعددی را علیه فروشنده می‌تواند مطرح سازد. در توجیه تعدد این دعاوی می‌توان گفت که در این کشور منافع مصرف کننده متضرر یا منافع طرف ضعیف‌تر قرارداد یا دعوی را بر تفکیک نظری این دعاوی از همدیگر ترجیح دارد و این امر نه تنها در وضع قوانین، که در اجرای آنها نیز در محاکم به عنوان یک اصل مهم مد نظر قرار گرفته است. بنابراین، آنچه در وهله اول موضوع اهتمام نظر یک قاضی فرانسوی قرار می‌گیرد، این است که فروشنده حرفه‌ای نتواند با تردستی و مهارتی که لازمه حرفه اوست، ضرری به مصرف کننده - که شخص ناآگاهی است - وارد آورد.

ما در این مقاله بطور بسیار خلاصه تعهدات فروشنده را نام برده و مورد طرح هر کدام را متذکر می‌شویم :

۱- تعهد به تسلیم مبیع^۱

۲- تعهد به ضمانت از عیوب مخفی مبیع^۲

۳- تعهد به مطابقت مبیع برای مورد استفاده مورد نظر خریدار یا استفاده‌ای که نوعاً از کالا انتظار می‌رود.^۳

۴- تعهد به داشتن حسن نیت قراردادی (هم در مرحله انعقاد بیع و هم در مرحله اجرای آن).^۴

۵- تعهد به تحویل کالایی که امنیت خریدار را به خطر نیاندازد.^۵

۶- تعهد به دادن اطلاعات لازم در جهت نحوه استفاده از مبیع.^۶

۷- تعهد به حفاظت از کالا (ی خطرناک).^۷

تخلف از هر کدام این تعهدات، عمدتاً مسؤلیت مدنی (در شکل قراردادی) فروشنده را (Responsabilité contractuelle) موجب می‌گردند. مسؤلیت غیرقراردادی (Responsabilité délictuelle) و همچنین مسؤلیت کیفری فروشنده از محل بحث ما خارج است.

تعهدات قراردادی فوق بعضاً چنان به همدیگر نزدیک هستند که حتی در مواردی رویه قضایی فرانسه نیز آنها را به درستی از همدیگر تمییز نمی‌دهد و این در حالی است که آثار هر کدام از آنها بخصوص در دعاوی که قابل طرح بدنبال تخلف از مفاد این تعهدات، با هم متفاوتند. عدم دقت در ابتدای دعوی بر مبانی درست می‌تواند به سادگی منجر به رد دعوی یکی از طرفین شود. مثلاً دعوی مبتنی بر ضمانت کالا نسبت به عیوب مخفی، دعوی مبتنی بر مطابقت کالا، دعوی بطلان بیع بدلیل اشتباه خریدار و همچنین دعوی مبتنی بر تدلیس و خدعه فروشنده (action en nullité pour erreur ou dol) که ناشی از تخلف از تعهد حسن نیت است، بدفعات توسط دیوان عالی فرانسه نیز با همدیگر خلط شده‌اند. حتی در بعض موارد قضات ماهوی (بدوی و تجدید نظر) تعهداتی را ابداع کرده‌اند که در کد سیویل موجود نیست. اما عنوان دعاوی قابل

^۱ - Obligation de délivrance

^۲ - Obligation de garantie des vices cachés

^۳ - Obligation de conformité du produit à l'usage duquel il a été destiné ou à l'usage convenu par les parties

^۴ Obligation de bonne fois contractuelle

^۵ Obligation de sécurité du produit

^۶ Obligation de renseignement

^۷ Obligation de garde de structure

طرح که قاعدتا در تخلف از تعهدات قراردادی قابل طرح می‌باشند و به نوعی در جهت تامین نظر خریدار ناراضی از مبیع وضع شده‌اند، به فرار زیرند :

۱- دعوی مبتنی بر ضمانت عیوب مخفی مبیع در صورتی که دعوی مزبور در مهلت کوتاه مخصوص این دعوی اقامه شود.

۲- دعوی عدم تطابق مبیع با نیاز وی و دوگانگی میبه دریافتی با آنچه از خرید آن مد نظرش بوده یا اینکه اصلاً جنس مورد نظر خود را تحویل نگرفته است.^۸

۳- می‌تواند ادعا کند رضایت وی به بیع معلول اشتباه بوده زیرا رضایت مزبور به دریافت شیء ناقص تعلق نگرفته لذا بیع از اساس بدلیل فقدان یک عنصر اساسی صحت، باطل است.

۴- می‌تواند ادعا کند که فروشنده در اثر عدم تحویل اطلاعاتی که لازمه استفاده از مبیع بوده به او خسارت وارد نموده است.^۹

۵- می‌تواند عندالاقضاء ادعا کند که در اثر نقص مبیع دریافتی امنیت مالی و جانی وی به خطر افتاده و بدین وسیله او متحمل خساراتی شده است.

۶- می‌تواند ادعا کند که سازنده و یا فروشنده در اثر عدم حفاظت لازم از کالا موجب ایراد خسارت جانی و یا مالی به وی شده‌اند.^{۱۰}

به جز تعهد به داشتن حسن نیت در مرحله انعقاد قرارداد که اصل قرارداد را در مرحله شکل‌گیری مورد سؤال قرار می‌دهد، در سایر موارد، عمدتاً این تعهدات متوجه مرحله اجرای قرارداد است. ما در این مجال به اختصار شرحی از این تعهدات و دعاوی مبتنی بر هر یک از آنها را ارائه داده تفاوت‌ها و آثار آنها را به بررسی می‌گیریم.

۱- تعهد به تسلیم مبیع

این تعهد که از بدیهی‌ترین آثار عقد بیع است، مختص قانون فرانسه نبوده و تقریباً در همه نظام های حقوقی تخلف از آن مشمول قواعد عمومی راجع به اجرای قراردادها می‌گردد. یعنی در غیر موارد دخالت قوه قهریه (فورس ماژور)، مسئولیت قراردادی فروشنده را موجب می‌شود.

ماده ۱۶۰۳ کد سیویل فروشنده را ملزم به دو تعهد می‌کند: اولاً تعهد به تحویل مبیع و ثانیاً تعهد به ضمانت یا گارانتی که گارانتی نیز طبق ماده ۱۶۲۵ دو امر را شامل می‌گردد ضمان درک مبیع و ضمانت عیوب مخفی. سپس در ماده ۱۶۱۰ مشتری را مخیر می‌سازد در صورت تخلف فروشنده از تحویل مبیع، بین دعوی فسخ و اجبار فروشنده به تحویل در صورتی که خود وی علت در تأخیر دریافت مبیع نباشد.

نکته شایان ذکر این است که رویه قضایی فرانسه در بعضی موارد مسئولیت فروشنده را بر مبنای مختلفی جستجو نموده است، بدین صورت که مدعی مثلاً دعوی خود را بر مبنای ضمانت عیوب مخفی استوار می‌سازد ولی چون دعوی را دادگاه بعلت فقد یکی از عناصر و ارکان آن مردود می‌داند، آنرا تصحیح نموده و بر مبنای دیگری که منفعت خریدار را تضمین کند، استوار می‌سازد. به این کار در اصطلاح آئین

^۸Action en responsabilité pour la non-conformité ou la non délivrance de produit

^۹ Action en responsabilité contractuelle pour manquement à l'obligation de renseignement

^{۱۰} Action en responsabilité délictuelle pour garde de structure

Substitution de motif می‌گویند که موضوع ماده ۱۲ آئین دادرسی جدید فرانسه بوده و از بحث ما خارج است.

۲- تعهد به ضمانت عیوب مخفی مبیع

این تعهد که اصلاً از حقوق رم گرفته شده است، و در کد سیویل سال ۱۸۰۴ مواد ۱۶۴۱ تا ۱۶۴۹ را تشکیل داده است. تعهد به ضمانت موضوع ماده ۱۶۰۳ به نوبه خود به دو تعهد ضمانت نسبت به عیوب مخفی و ضمانت از جهت عدم تعلق حق غیر به مبیع و انتقال کامل حق مالکیت (Garantie contre éviction) تقسیم می‌گردد.

در حقوق فرانسه از فروشندگان حرفه‌ای این انتظار می‌رود که مبیع آنها از هرگونه عیبی مصون باشد و باصطلاح دارای ویژگی کالای تجارته بوده و برای استفاده منتظره مناسب باشد. آقای گروس GROSSE این ضمانت را تعهدی می‌داند که جوابگوی خسارات غیر قابل انتساب به خطای سازنده بوده و بتواند تمام آنها را جبران کند.

این مفهوم ضمانت قانونی که در مواد ۱۶۴۱ به بعد قانون مدنی فرانسه آمده و در کنار ضمانت قراردادی بتدریج با رشد روز افزون تکنولوژی و نیاز به حمایت از مصرف کننده، در حقوق فرانسه جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده اند.

وفق ماده ۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه «فروشنده مکلف به گارانتی (ضمانت نمودن) مبیع است به جهت عیوب مخفی آن که منجر به مناسب نبودن مبیع برای استفاده عادتاً مورد انتظار یا مورد نظر آن شود یا آنقدر مورد استفاده عادی را تقلیل دهد که معلوم شود خریدار در صورت علم بدان عیوب یا اصلاً مبادرت به خرید مبیع نکند، یا بهای کمتری را از بابت آن بپردازد».

ضمانت قانونی در تعریف فوق الذکر که توسط قانون بر فروشنده تحمیل می‌شود، شرایطی دارد که اجمالاً متذکر می‌شویم.

۱- دعوی مبتنی بر گارانتی عیوب مخفی باید در یک مهلت محدود (bref délai) اقامه شود. این مهلت از جمله شرایط ماهوی دعوی می‌باشد و قابل انفکاک از آن نیست (ماده ۱۶۴۸ کد سیویل).

۲- عیب باید درحین خرید از دید خریدار «مخفی» بوده باشد لذا اگر فروشنده ثابت کند که خریدار عالم به عیب بوده، تکلیفی در برابر وی ندارد، در این وضعیت خریدار می‌تواند، در صورت وجود شرایط، دعوی خود را بر مبنای دیگری مثل دعوی مبتنی بر عدم تطابق کالا با مورد استفاده مد نظر، اقامه نماید و ثابت کند که عیب موجود در مبیع به حدی استفاده منظور یا استفاده منتظر از آن را تنزل می‌دهد که دیگر عملاً استفاده‌ای از آن متصور نیست و بدین گونه مبیع به هیچ کاری نمی‌آید. دادگاه‌های فرانسه عیبی را که خریدار صلاحیت و تخصص لازم حرفه‌ای در جهت کشف آن نداشته باشد، نیز عیب مخفی قلمداد کرده‌اند. در راستای حمایت از مصرف کننده شرط خلاف ضمانت قانونی را در قراردادهای اشخاص حرفه‌ای با خریداران اشخاص غیر حرفه‌ای و ناآگاه ممنوع و خلاف نظم عمومی تلقی کرده‌اند.^{۱۱} همچنین دادگاه‌های فرانسه ماده ۱۶۴۳- که بر مشروعیت این شروط دلالت دارد- را نظربه مواردی دانسته‌اند که قرارداد بیع بین دو فرد حرفه‌ای یا دو فرد غیر حرفه‌ای (البته در صورت عدم وجود تدلیس) منعقد می‌گردد، زیرا نسبت به فرد

۱۱ - ماده ۲ و ۴ از دستورالعمل شماره ۷۸-۴۶۴ مورخ ۲۴ مارس ۱۹۷۸ در مورد شروط تحمیلی

حرفه‌ای معامله فردی شده که عالم به وجود عیب می‌باشد. چنین فردی که علم به نقص مبیع برای وی مفروض قلمداد می‌گردد، شخص دارای سوء نیت می‌باشد که نمی‌تواند شرط خلاف گارانتی قانونی را در قرارداد بیع خود درج نماید. شایان ذکر است که این تشابه فرد حرفه‌ای به فرد عالم به عیب، فقط در مرحله دعوی مدنی دارای اثر است، لذا نمی‌توان از این تشابه، مسئولیت کیفری فروشنده را نیز مطرح ساخت.

۳- شرط سوم دعوی مبتنی بر گارانتی عیوب مخفی این است که عیب باید از دید فروشنده نیز مخفی باشد و الا علاوه بر مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری وی نیز مطرح می‌گردد و مجازات مدنی آن نیز شدیدتر خواهد بود بدین صورت که علاوه بر برگشت دادن بهای دریافت شده، تمامی خسارات وارده به خریدار نیز باید جبران شود، در حالی که در صورت جهل به عیب، تنها در قبال مبلغ دریافت شده و همچنین خساراتی که از جهت فروش به خریدار تحمیل نموده ضامن بود (مواد ۱۶۴۵ و ۱۶۴۶ کد سیویل). رویه قضایی در بعض موارد شدت عمل بیشتری نشان داده و نفس عرضه کالای ناقص به بازار را *خطای فاحش* تلقی نموده و بنا بر اصل تشبیه خطای فاحش به تدلیس، طبق ماده ۱۱۱۶ فروشنده را محکوم به پرداخت کلیه خسارات وارده به خریدار نموده است.

در کنار این نوع گارانتی، یک نوع دیگر از گارانتی بنام گارانتی قراردادی وجود دارد که باید بدقت از همدیگر تمییز داد. مهلت گارانتی قراردادی از زمان خرید محسوب می‌شود در حالی که مهلت گارانتی قانونی از زمان کشف عیب کالا محاسبه می‌گردد. این دو مهلت مانع الجمع نمی‌باشند و می‌توانند حتی بدون شرط ویژه‌ای در ضمن قرارداد، هر دو در کنار هم وجود داشته باشند^{۱۲}. البته، خود دعوی گارانتی قانونی (Garantie légale) به هیچ مهلتی مقید نیست بدین معنی که در صورت کشف عیب حتی پس از گذشت زمان طولانی از زمان انعقاد عقد نیز حق دعوی گارانتی قانونی برای خریدار ثابت است مشروط بر اینکه ثابت کند عیب در زمان انعقاد عقد وجود داشته و نتیجه فرسودگی و کهنگی حاصل از استفاده کردن از مبیع نمی‌باشد. همین که خریدار علم به وجود عیب پیدا کرد، دیگر حق اقامه دعوی توسط وی مشروط به «مهلت محدود» می‌گردد که توسط قانون تعیین نشده و به نظر قاضی واگذار گردیده است. رویه قضائی تاکنون این مهلت را بین سه ماه تا حداکثر یک سال می‌داند. در پروژه قانونی ۱۹۹۳ در خصوص مسئولیت مدنی نقص ایمنی کالاهای صنعتی که اکنون در مجلس فرانسه وجود دارد این مهلت به یک سال تعیین گردیده است.

مهلت گارانتی قراردادی بسته به نظر فروشنده بوده و هرچه که نسبت به کالای که به بازار عرضه می‌کند مطمئن تر باشد، این مهلت را طولانی‌تر می‌کند و البته طولانی بودن این مهلت در جلب مشتری اثر بسزائی خواهد داشت.

معمولاً گارانتی قراردادی حقوق و مزایای بیشتری را نسبت به گارانتی قانونی تضمین می‌نماید مثلاً تهیه قطعات یدکی، تعمیر کالا در کارگاه سازنده و یا محل واقع شدن آن، که در گارانتی قانونی پوشیده نمی‌شود، در طول مدت گارانتی قراردادی پوشیده شده است. همچنین تمام عیوب مخفی و یا آشکار کالا را می‌توان ضمن گارانتی قراردادی ضمانت نمود، چه عیب مذکور حین العقد موجود بوده باشد یا بعدالعقد عارض گردیده باشد. در طرف فروشنده و یا سازنده نیز، این گارانتی برای آنها سودمند است چرا که به آنها این امکان را می‌دهد که از عیوب احتمالی کالا (بخصوص کالاهای تازه به بازار عرضه شده) خود آگاه شده و

^{۱۲}Cass., Com., 2 mai 1990, les Petits affiches, 29 mars 1991

در جهت بالا بردن کیفیت آن بکوشند. برای همین است که برای بالا بردن اعتبار تجارتي خود، پس از بروز کمترین نقصی سریعاً نسبت به برطرف نمودن عیب و یا تعمیر کالا اقدام لازم را به عمل می‌آورند. دادگاه‌های فرانسه در جهت حمایت از مصرف کننده حتی در مواردی که مهلت گارانتی قراردادی تمام شده باشد، فروشنده را مکلف به این تعهد می‌دانند و آن در صورتی است که :

- فروشنده برای فرار از این گارانتی کاری کند که مهلت آن سپری شود مثلاً اینکه سرویس خود را به تأخیر بیاورد.

- یا اینکه ظهور عیب در طول مدت گارانتی باشد ولی دعوی در خارج از این مدت اقامه شود. در این موارد، مسئولیت فروشنده بر مبنای خطای ارتكابی وی جستجو می‌شود.

در حقوق فرانسه تعهد به گارانتی قانونی از مقوله نظم عمومی بوده و شرط خلاف آن ممکن نیست در مورد تعهد قراردادی گارانتی نیز کمیسیون شروط تحمیلی شروطی که موضوع یا اثر آنها اجبار مصرف کننده به تعمیر کالا ناقص در نزد خود فروشنده باشد را ممنوع می‌سازد مشروط بر اینکه چنین شرطی از نظر ایمنی مصرف کننده یا ویژگی فنی خود کالا توجیه پذیر نباشد. بعلاوه، اینکه تعمیر کننده در شرایط عادی در دسترس نباشد^{۱۳}. قاعداً گارانتی قراردادی با تعویض و یا تعمیر کالا خاتمه می‌یابد و ضررهای مادی و جسمی دیگر را شامل نمی‌گردد ولی اگر فروشنده عالم به عیب شیء باشد، مکلف به جبران همه خسارات وارده است. در این رابطه، رویه قضایی فرانسه گارانتی قراردادی را اماره سبق وجود عیب در زمان انعقاد قرارداد تلقی نموده است. بعلاوه اینکه اگر فروشنده شخص حرفه‌ای باشد، اماره علم وی به وجود نقص که مورد پذیرش رویه قضایی است، موجب می‌شود که بار اثبات دلیل بر دوش فروشنده تحمیل شود لذا این فروشنده است که باید ثابت کند در هنگام قرارداد کالای او سالم بوده است. نتیجه این می‌شود که فروشنده در اکثریت قریب به اتفاق موارد مکلف به جبران کلیه خسارات باشد.

ضمانت اجرای تعهد گارانتی عیوب مخفی: در تعهد به دادن گارانتی عیوب مخفی عمدتاً دو ضمانت اجرا در نظر گرفته شده است :

۱- **انحلال عقد-** در این رابطه شکل خاصی از انحلال عقد مطرح می‌گردد. این گونه ضمانت اجرایی که موضوع ماده ۱۱۸۴ کد سیویل است، بدلیل عدم اجرای قرارداد موجب بطلان آن می‌شود. ماده ۱۶۴۴ امکان اقامه دعوی فسخ قرارداد را با استرداد بهای پرداختی و رد مبیع از طریق اقامه دعوی خاصی را به مشتری می‌دهد که بدان *action rédhibitoire* می‌گویند.

۲- **مطالبه ارش-** همچنین مشتری می‌تواند وفق ماده ۱۱۴۴ مطالبه مابه التفاوت قیمت ناقص با سالم (ارش) را بنماید که به این دعوی *action estimatoire* می‌گویند. کد سیویل در ماده ۱۱۴۵ از جبران خسارات وارده سخن به میان می‌آورد و آن در جایی است که یک نحوه عدم اجرای مسئولیت قراردادی تلقی شود و این عدم اجرا به سوءنیت فروشنده منتسب باشد. مثلاً در جایی که فروشنده عیب کالا را بداند و یا اینکه علم وی به نقص بدلیل حرفه‌ای بودنش مفروض قلمداد گردد، در چنین موردی مشتری می‌تواند تمام خسارات وارده به خود را دریافت دارد. در صورت پوشش دادن خسارات وارده در اثر نقص کالا داخل در تعهد به ایمنی کالا می‌شویم و از اینجاست که حوزه این تعهد با تعهد به ایمنی داشتن مبیع تداخل می‌کند. تعهد به ایمنی

^{۱۳} Recommandation n°79-01 24 fév. 1976

به نوبه خود موضوع تعهد جدیدی است که اخیراً از گارانتی عیب کالا تفکیک شده است که متعاقباً به آن خواهیم پرداخت. البته، حسب تقاضای مشتری می‌توان نسبت به جایگزین نمودن کالا و یا تعمیر آن توسط فروشنده اقدام کرد.

۳- تعهد به تطبیق کالا برای مورد استفاده مورد نظر خریدار یا استفاده نوعاً مورد انتظار

این تعهد یکی از بحث برانگیزترین تعهدات فروشنده می‌باشد. نکته آن این است که آیا این تعهد یک تعهد مستقلی از گارانتی قانونی است یا نه؟ برای ایضاح مطلب ابتدا کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص قراردادهای فروش بین‌الملل را به بررسی گرفته‌انگه به مطالعه رویه قضایی فرانسه می‌پردازیم.

در کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص بیع، تفاوتی بین این دو نوع تعهد دیده نمی‌شود. چون قانونگذار بین‌المللی که در مرحله‌ای فراتر از محدوده‌ی مرزهای فرانسه قانون وضع نموده، به ویژگی‌های خاص و تأسیسات حقوقی ویژه این کشور توجه نداشته هر چند معمولاً آینده‌ی این تأسیسات در خود این کنوانسیون‌ها و یا توسط پروتکل‌های الحاقی پیش‌بینی می‌شود. در این رابطه کنوانسیون سازمان ملل یا کنوانسیون وین در سال ۱۹۸۰ را داریم که در ماده ۱-۳۶ خود اشعار می‌دارد «فروشنده باید کالا خود را مطابق با آنچه در قرارداد پیش‌بینی شده تحویل دهد». این ماده بخوبی نشان می‌دهد که مفهوم گارانتی عیوب مخفی بطور جداگانه از تعهد به تطابق کالا بررسی نشده است. این کنوانسیون سه فرمول برای شناخت عدم تطابق کالا بدست می‌دهد: ۱- کیفیت کالا، ۲- کمیت آن، ۳- شکل بسته بندی و نحوه عرضه آن (ماده ۱-۳۵).

ماده ۲-۳۶ یک نحو دیگر از نقص تطابقی را بیان می‌دارد و آن نقصی است که ناشی از تخلف از یک تعهد فرعی باشد. عدم تحویل کالا به یک موسسه حمل و نقل لایق یا عدم بسته‌بندی صحیح و اصولی کالا، نیز نقص تطابقی قلمداد شده است. البته، کنوانسیون بین تطابق مادی کالا (conformité matérielle) را با لزوم به متعلق حق غیر نبودن آن (intégrité juridique) تفاوت می‌گذارد. این دومی موضوع مواد جداگانه‌ای در کد سیویل تحت عنوان (Garantie d'éviction) است که مختصراً اشاره شد.

در دستورالعمل اروپائی ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵ نیز تفاوتی بین این دو تعهد دیده نمی‌شود. اما در کد سیویل دو سری مواد هست که ناظر به گارانتی عیوب و تطابق کالا می‌باشند. این مواد مواد ۱۶۴۱ تا ۱۶۴۸ و ماده ۱-۲۱۲ کد مصرف کننده (که در حقیقت همان مواد کد سیویل را تکرار کرده، به گونه‌ای عنوان شده‌اند که تفاوتی بین این دو تعهد نمی‌گذارند) و مواد عمومی مربوط به مسئولیت قراردادی می‌باشند. ما با توضیحات خود نشان می‌دهیم که این دو از همدیگر کاملاً جدا بوده و هر کدام به شکل خاص خود به اجرا گذاشته می‌شوند. لازم به تذکر است که در رویه قضایی فعلی دو جریان مخالف وجود دارد:

- شعبه اول مدنی دیوان عالی بمنظور تطبیق حقوق موضوعه با مقتضیات زمان در امور تجاری، و به تبع کنوانسیون‌های بین‌المللی فوق‌الذکر هیچ تفاوتی بین این دو تعهد نمی‌گذارد. دلیل آن البته کامل و دقیق نبودن ملاک‌های آرایه شده به منظور تمییز بین این تعهد می‌باشد. این عدم تفاوت بین دو تعهد مذکور حتی در حقوق موضوعه فعلی نیز دیده می‌شود. از طرفداران این جریان استاد گستن (Ghestin) (استاد مسلم حقوق تعهدات) می‌باشد که معتقد است تفاوت این دعاوی تفاوت ماهوی نیست بلکه از نظر قوانین شکلی و بخصوص زمان لزوم طرح آنهاست. بدین گونه که اگر خط زمانی پیدایش یک قرارداد را به سه مرحله تقسیم کنیم، سه تعهد حسن نیت و گارانتی و تطابق کالا به ترتیب پشت سر هم قرار می‌گیرند. بدین صورت که اگر

قرارداد در مرحله انعقاد دچار آسیب شد، تعهد به حسن نیت و متعاقب آن دعوی به فسخ بدلیل تدلیس و یا اشتباه مطرح می‌گردد. و اگر به قرارداد در مرحله اجرا خدشه وارد شد، دو حالت پیش می‌آید: اگر ظهور ایراد (که در اینجا ظهور عیب کالا است) در مهلت گارانتی موضوع ماده ۱۶۴۸ کد سیویل بود، تعهد به گارانتی و بدنبال آن دعوی مبتنی بر گارانتی، و اگر بعد از مهلت محدود بود، دعوی مبتنی بر مسئولیت قراردادی بجهت تخلف از تعهد به تطابق موضوع مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۴۲ برای متضرر ثابت است.

- جریان دوم در رویه قضایی که از شعبه سوم مدنی و شعبه تجاری دادگاه عالی ریشه می‌گیرد، به شدت با اختلاط این دعاوی مخالف است و حق هم همین است چرا که اولاً ممکن است مبیع اساساً نقصی نداشته باشد ولی برای منظور خریدار مناسب نباشد. در اینجا که ممکن است مبیع از نظر کیفی بهتر از مبیع منظور خریدار نیز باشد ولی بدلیل مرتفع نساختن نیاز وی از خرید چنین کالایی، بیع قابل فسخ باشد. در چنین موردی تخلف از تعهد به تطابق کالا مطرح می‌گردد. فی‌المثل کسی که برای تایپ متون نیاز به برنامه کامپیوتر پیدا می‌کند و به دنبال آن برنامه‌ای می‌خرد. بعد از خرید متوجه می‌شود که بخلاف آنچه که او انتظار داشته، برنامه‌ای دریافت نموده که بیشتر ببرد ترسیم می‌خورد که حتی با آن می‌توان تصاویر سنتزی را نیز طراحی نمود، در اینجا مبیع، که برنامه کامپیوتر است، فاقد هرگونه عیب است، ولی نیاز خریدار را مرتفع نمی‌سازد. در اینجا می‌گویند که کالا تطابق قراردادی (conformité contractuelle) ندارد.

شکل دیگری از عدم تطابق، عدم تطابق عملکردی (fonctionnel) است بدین معنی که کالا نه نقص آشکار مادی دارد و نه مخالف مراد خریدار است، بلکه انتظاری که قاعدتاً از آن می‌رود را نمی‌تواند برآورده کند مثلاً تراکتوری که معمولاً باید بتواند ساعت‌ها کار کند، پس از چند ساعت کار، موتور آن جوش بیاورد و ادامه کار را غیر ممکن سازد. در اینجا تراکتور نقص به معنای دقیق کلمه که بر یک نحوه کمبود اطلاق می‌شود، ندارد ولی تطابق با آنچه که انتظار طبیعی و مشروع عموم مردم از خرید چنین تراکتوری است را ندارد.

البته در جایی که واقعاً کالا نقص ساختمانی دارد مثلاً برنامه کامپیوتر خریداری شده با داخل نمودن ویروس در سیستم، کار ساعت‌ها فعالیت تاییبی را از بین می‌برد، در اینجا کالا تطابق مادی (conformité materielle) نیز ندارد. این عدم تطابق، با نقص به یک معنا است و موجب می‌شود که به سایر موارد که عدم تطابق است و نه نقص، سرایت داده شده و تمییز این دو را با مشکل مواجه سازد.

تفاوت عملی و شکلی این دو دعوی در مرحله ارائه دعوی ظاهر می‌گردد بدین صورت که اگر قاضی قایل به تفاوت این دو دعوی باشد، با احراز عدم امکان طرح دعوی بر یکی از مبانی سابق‌الذکر، حکم به رد دعوی می‌دهد مثلاً اگر دعوی ضمانت عیوب مخفی در مهلت محدود موضوع ماده ۱۶۴۸ ارائه نگردد، حکم قطعی به رد دعوی وی داده خواهد شد و مدعی بایستی مجدداً دعوی خود را بر مبنای دیگری (مثلاً دعوی تطابق) استوار سازد تا بتواند جبران خسارات خود را مطالبه کند در حالی که اگر قاضی معتقد به یکسان بودن این دعاوی باشد، به محض عدم امکان ارائه بر مبنای یکی از دعاوی، دعوی را بر مبنای دیگری مبتنی می‌سازد و بدین وسیله از متضرر حمایت به عمل می‌آورد. اینکه چنین کاری در حوزه اختیارات قاضی هست یا خیر، از محل بحث ما خارج است. اجمالاً "اینکه قاضی فرانسوی به استناد ماده ۱۱۲ آئین دادرسی مدنی می‌تواند در جایی که مدعی دعوی خود را بر مبنای درستی استوار نسازد، دلایل و موجهات دعوی را تغییر دهد و آنرا بر مبنای درست بنا (substitution des motifs) کند.

مبنای حقوقی دعوی مبتنی بر عدم تطابق، مواد ۱۱۴۲ و ۱۱۸۴ کدسیویل می‌باشند که اولی اظهار می‌دارد که «تمام تعهدات به انجام عمل یا خودداری از انجام عمل در صورت عدم اجرا از جانب متعهدآن، به دعوی جبران خسارات تحلیل می‌یابند». ماده بعد می‌گوید «شرط تحلیلی (فاسخ) در قراردادهای دو جانبه برای مواردی که یکی از دو طرف قرارداد به تعهد خود عمل نکند، همیشه مفروض قلمداد می‌گردد».

در این صورت، قرارداد خود بخود منفسخ نمی‌گردد بلکه طرفی که قرارداد نسبت به وی عمل نشده، می‌تواند (یکی از دو کار را انجام دهد)، یا طرف دیگر را در صورت امکان اجبار به انجام تعهد خود کند و یا فسخ قرارداد را بخواهد و تمامی خسارات وارده را دریافت نماید. چنین فسخی باید از محکمه خواسته شود. دادگاه می‌تواند به منکر مهلتی را برای اجرای قرارداد اختصاص دهد.

البته، یکی از مهم‌ترین موجبات اشتباه بین این دو دعوی گارانتی و دعوی تطابق، همان ماده ۱۶۴۱ کدسیویل است که در مقام تعریف تعهد به گارانتی می‌باشد. عبارات قسمت اخیر این ماده به گونه‌ای تدوین شده که خود بخود موجب اشتباه این دو دعوی می‌شود. آنجا که می‌گوید «فروشنده مکلف به ضمانت نمودن مبیع است به جهت عیوب مخفی آن که موجب مناسب نبودن مبیع برای مورد استفاده‌ای که برای آن در نظر گرفته شده، می‌گردد...»

۴_ تعهد به حسن نیت قراردادی و دعوی مبتنی بر آن (دعوی فسخ به دلیل اشتباه و یا تدلیس)

یکی از دیگر دعاوی که مدعی ناراضی از بیع انجام شده می‌تواند مطرح کند، دعوی فسخ قرارداد بدلیل اشتباه و یا تدلیس می‌باشد. خریدار می‌تواند برای فسخ معامله خرید ثابت کند که رضایت وی به انجام قرارداد بیع معلول بوده است. بدین معنی که وی راضی به قراردادی که موضوع آن تحویل گرفتن جنس ناقص باشد، نبوده و بدین جهت قرارداد از بنا و بنیان باطل است. در اینجا رضایت، که شرط نفوذ عقد است، حاصل نبوده و عقد بدلیل فقد عنصر اصلی و رکن اساسی خود مخدوش می‌شود.

عواملی که موجب معلول شدن رضایت در عقود می‌گردد عبارتند از: اشتباه (Erreur) و تدلیس (dol). اشتباه همیشه موجب حق دعوی فسخ برای خریدار نمی‌شود بلکه اشتباهی منجر به بطلان عقد می‌شود که بر یک کیفیت اساسی و ویژگی ماهوی موضوع آن بار شود (ماده ۱۱۱۰ کد سیویل). در اینجا سالم بودن کالا یک وصف جوهری (qualité substantielle) در موضوع معامله است، که در غیر آن، خریدار هرگز مبادرت به انعقاد قرارداد خرید نمی‌کند. از اینرو، در صورت تخلف از ارائه مبیع که دارای چنین ویژگی‌ای باشد، عقد بیع می‌تواند فسخ گردد.

تدلیس موضوع ماده ۱۱۱۶ کد سیویل است که اظهار می‌دارد «تدلیس یکی از موجبات انحلال عقداست در جایی که اقدامات دسیسه آمیز یکی از دو طرف قرارداد به نحوی که مسلم شود بدون آن اعمال، طرف دیگر قرارداد، مبادرت به انعقاد چنین عقدی نکند. تدلیس، مفروض نیست و باید اثبات شود».

از طرف دیگر تدلیس مخالف اصل حسن نیت قراردادی موضوع ماده ۱۱۳۴ است، و سوء نیت فروشنده را ثابت می‌کند، امری که موجب می‌شود خریدار نه تنها خسارات متحمل شده در اثر خرید، بلکه تمامی خسارات وارده به خود را مطالبه کند.

مثلاً اگر فروشنده با استفاده از تبلیغات دروغین کاری کند که خریدار اغفال شده و مبادرت به خرید نماید، در اینجا خریدار باید اثبات کند که مدارک تبلیغاتی ارائه شده در هنگام انعقاد عقد با مدارک واقعی قراردادی،

یکسان نیستند و بدین وسیله فریب خورده است. از همین جاست که می‌توان تفاوت بین این دو سری مدرک را باز شناخت یعنی مدارکی هیچ نقش عملی در قرارداد ندارند و مدارکی که سند قرارداد محسوب شده و امضاء طرفین در ذیل آنست و نشان می‌دهد قرارداد مبتنی بر آنها منعقد گردیده است. شایان ذکر است قانونگذار فرانسوی علاوه بر ضمانت اجراهای شدید مدنی، مجازات‌های جزایی نیز برای مرتکبین تبلیغات غیرواقعی مقرر نموده است (مواد ۱-۱۲۱ L. به بعد کد مصرف کننده).

شکی نیست که این دعوی مبتنی بر فسخ بدلیل اشتباه و یا تدلیس^{۱۴} نیز از دعوای گارانتی ممتاز است چرا که می‌خواهد عقد را از بنیان ریشه‌کن کند و آن را در مرحله شکل‌گیری مورد سؤال قرار دهد. لذا این دعوی با دعوی گارانتی که عقد را در مرحله اجرا خدشه‌دار می‌کند، اساساً متفاوت است. دعوی مذکور از دعوی مبتنی بر عدم تطابق کالا نیز به همین دلیل ممتاز است چرا که هر کدام طبیعت ویژه به خود را دارند. و تشابه نتیجه عاید از به اجرا گذاشتن این تعهدات متفاوت (جبران ضرر و یا فسخ عقد)، نباید موجب تشابه خود این دعاوی و اختلاط مبانی مختص به هر کدام از آنها شود.

می‌توان گفت که رویه قضایی در سال‌های اخیر به تدریج متوجه تمییز این دعاوی شده ولی اختلاف اساسی بین این دو جریان قضایی که هر دو هم مصدق و مؤید در رویه قضایی و هم در دکتترین دارند، هم‌چنان بقوت خود باقی است.

۵- تعهد به امنیت کالا به جهت خسارات ناشی از عیب

برای بررسی این تعهد لازم است در دو مرحله به بررسی به پردازیم: اولاً "رویه سنتی و فعلی قضایی و ثانیاً قوانین جدید وارد شده توسط بخشنامه اروپایی ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵ که موضوع مواد ۱۳۸۴-۱ به بعد کد سیویل را تشکیل می‌دهد.

رویه سنتی قضایی فرانسه در خصوص تعهد به امنیت کالا

در حقوق موضوعه فعلی فرانسه قوانین خاصی راجع به این تعهد وجود ندارد، بلکه رویه قضایی با استناد به ماده ۱۱۳۵ کد سیویل این تعهد را بر سازندگان کالاها بار نموده است. ماده مزبور اشعار می‌دارد که: قراردادهای نه تنها متعاقدين را به آنچه در ضمن آن تصریح کرده‌اند، بلکه به تمام آنچه را که به موجب انصاف و عرف و یا قانون بحسب طبیعت عقد بر آن بار می‌کنند، ملزم می‌سازد. بر این اساس، تعهد به امنیت را به صورت یک شرط ضمنی که در عقد بدان تصریح نشده ولی طرفین بدان ملزم هستند در رویه قضایی فرانسه وارد شده است. هر چند این تعهد به طور کلی به صورت یک تعهد عمومی مثل قاعده لاضرر در حقوق اسلامی وجود داشته و حتی قوانین بخصوصی در این زمینه وضع شده (قانون ۳ ژوئیه ۱۹۸۳) و بخصوص در زمینه حمل و نقل مسافر این تعهد موثراً بعهدده متصدی حمل و نقل گذاشته است، ولی در زمینه بیع این یک تعهد جدید است که اخیراً از گارانتی عیوب مخفی مستقل شده است. شعبه اول مدنی دادگاه عالی در رأی ۱۱ ژوئن ۱۹۹۱ در مقام بیان تفاوت تعهد به گارانتی عیوب مخفی از تعهد به امنیت می‌گوید: دعوی مبتنی بر مسئولیت قراردادی برای عدم رعایت تعهد به امنیت که به معنای تحویل دادن کالا سالم و بدون نقص است، به رعایت مهلت محدود در گارانتی عیوب مخفی مقید نشده است. با استقلال این تعهد از تعهد به

^{۱۴} ذکر این نکته لازم است که در حقوق ایران بر خلاف حقوق فرانسه تدلیس از اسباب بطلان عقد نیست بلکه برای کسی که از این تدلیس متضرر می‌شود حق فسخ قرار داده شده است که بدان خیار تدلیس می‌گویند.

گارانتی عیوب مخفی، تعهد به امنیت، منحصر به جبران خسارات ناشی از نقص کالا است و برای خسارات وارده به خود کالا تعهد به گارانتی عیوب مخفی بهترین مستند دعوی می باشد. مثلاً اگر در اثر عیب کالا خریداری شده، خسارت جانی و یا مالی به خریدار وارد شد، تعهد به امنیت و رژیم مسئولیتی ناشی از تخلف از این تعهد، برای جبران این گونه خسارات پیش بینی شده است. این است که برای درخواست جبران خسارات ناشی از عیب کالا لازم نیست دعوی متضرر حتماً در مهلت محدود موضوع ماده ۱۶۴۸ اقامه شود. البته، برای جبران خسارات وارده به خود مبیع، باید دید شرایط دعوی گارانتی قانونی و یا قراردادی را دارد یا نه. در صورت دارا بودن شرایط می توان برای جبران خسارات وارده به خود کالا به دعوی ضمانت عیوب مخفی نیز استناد نمود. با همین دلیل، تعهد امنیت از تعهد به تطابق کالا ممتاز می گردد چرا که نقص خود کالا یک امر است و خطرناکی آن امر دیگر. برای مثال گاه یک تلویزیون تصویر را واضح نشان نمی دهد و گاه با روشن کردن آن منفجر شده و موجب ورود خسارات جانی و مالی به خریدار و یا شخص ثالث می گردد. در مورد اول تعهد به تطابق و یا در بعض موارد تعهد به گارانتی و در مورد دوم تعهد به امنیت مطرح می گردد. از آنجائی که متضررین این تعهد و همچنین تعهد به گارانتی معمولاً تنها منعقدین مستقیم قرارداد نیستند که بتوانند مسئولیت قراردادی سازنده و یا فروشنده را مطرح سازند، رویه قضایی برای ثالث متضرر، مسئولیت غیرقراردادی (responsabilité délictuelle) را مطرح می سازد و مبنای این دعوی را بر همان مواد عمومی مربوط به این نحوه مسئولیت که موضوع ماده ۱۳۸۲ کد سیویل می باشد، استوار می سازد. نتیجه اینکه رویه قضائی نسبت به خریدار، مسئولیت قراردادی و نسبت به ثالث متضرر که هیچ قراردادی با فروشنده امضاء نکرده، مسئولیت غیر قراردادی را مطرح می سازد. البته، بحث بسیار مهم و جنجال برانگیزی نیز مطرح شد که طبیعت مسئولیت در جائی که قرارداد به صورت زنجیره ای بین افراد متعدد منعقد شده چیست آیا قراردادی است یا غیرقراردادی؟ تشخیص طبیعت مسئولیت در چنین مواردی فواید عملی بسیار دارد که مهم ترین آن صلاحیت قضائی است^{۱۵}. فی المثل شخص پس از خرید جنس آنرا به دیگری می فروشد و او نیز به فرد دیگری منتقل می کند سؤال این است که مسئولیت فروشنده اولی که قاعدتاً سازنده کالا است، در قبال خریدار نهائی چه طبیعتی دارد؟ اگر بگوئیم قراردادی است سؤال می شود که آنها قراردادی با هم نداشته اند و اصل نسبی بودن آثار قراردادها (موضوع ماده ۱۱۶۵) مانع از سرایت آثار آن به ثالث می شود و اگر معتقد شویم غیر قراردادی است، با دو محذور مواجه می شویم: محذور اول اینکه در این صورت منفعت متضرر کمتر تأمین می شود به خصوص در جائی که بایع فروشنده خرد باشد که نتواند تمامی خسارات را جبران کند و در صورت بالا بودن مبلغ خسارات با اولین دعوی به ورشکستگی دچار شده و نهایتاً ضررهای وارده جبران نگردد. و محذور دوم اینکه بالاخره در طریق استحصال مبیع، قراردادی وجود داشته و قاعدتاً قانون قرارداد، نزدیکترین قانونی است که نسبت به طرفین صالح به اجرا است. به هر حال، باتوجه به این مشکلات دادگاه عالی فرانسه مسئولیت فروشنده در قبال Sous-acquéreur که در آن حق مالکیت بطور کامل بین منعقدین منتقل می گردد را قراردادی دانسته است. و به نظر نمی رسد رأی ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۱ هیات عمومی دادگاه عالی بتواند رویه سابق (رأی ۷ فوریه ۱۹۸۶) را در این گونه قراردادها تغییر دهد.

^{۱۵} - اگر طبیعت مسئولیت مزبور، قراردادی باشد، دادگاه محل انعقاد قرارداد و اگر مسئولیت غیر قراردادی باشد دادگاه محل وقوع فعل زیان بار صالح به رسیدگی است.

تعهد به امنیت با تعهد به حفاظت از کالا نیز تفاوت می‌باشد زیرا که تعهد به حفاظت از کالا (obligation de garde de structure) موضوع ماده ۱۳۸۴ کد سیویل در موردی اعمال می‌شود که کالا طبیعتاً خطرناک بوده (مثل مواد منفجره) و به خصوص برای جبران خسارت وارده به ثالث کاربرد داشته و مسئولیت مدنی غیر قراردادی فروشنده را موجب می‌شود. به نظر می‌رسد با ظهور سیستم جدید مسئولیت ناشی از تخلف از تعهد به ایمنی کالا موضوع مواد دستورالعمل اروپایی ۱۹۸۵ عملاً بر مبنای این تعهد دیگر نتوان برای خسارات ناشی از نقص امنیتی کالا، دعوی اقامه کرد.

مسئولیت سازنده و یا فروشنده مبتنی بر بخشنامه اروپایی ۱۹۸۵

این دستورالعمل^{۱۶} که در سطح ۱۵ کشور عضو جامعه مشترک اروپا وضع گردیده، شیوه مسئولیتی جدیدی را پایه می‌نهد که بدلائل آتی الذکر از رژیم های سابق ممتاز است. به نظر می‌رسد که این رژیم مسئولیت که زائیده سیستم حقوق مشترک Common law است از **حقوق آمریکابه اروپا سرایت** کرده باشد. دلیل آن اینست که از زمان کندهی رئیس جمهور وقت آمریکا بحثهای متعددی پیرامون حمایت از مصرف کننده مطرح شد و بدنبال آن دادگاه عالی کالیفرنیا در سال ۱۹۶۳ رأیی صادر کرد که از آراء دیگر ممتاز بود. در این رأی مسئولیت سازنده فروشنده حتی بدون ارتکاب خطا مطرح گردید. به تدریج اصول بنیان نهاده شده در این رأی به سایر ایالات رخنه کرد و حقوق موضوعه آمریکا را تشکیل داد. دلیل پیدایش این سیستم در آمریکا این است که اصولاً سیستم مزبور زائیده تکنولوژی مدرن است که طبعاً سطح آن در آمریکا بالا تر از سایر کشورهاست. با گسترش مناسبات بازرگانی و جریان یافتن عنصر رقابت در آن بین اروپا و آمریکا، این رژیم به اروپا نیز سرایت کرد. البته، آنچه در اروپا موضوع بخشنامه اروپایی ۱۹۸۵ را تشکیل داد، تغییرات جزئی با حقوق آمریکائی (Strict liability) دارد. به هر حال این بخشنامه کشورهای عضو را موظف می‌سازد که قوانین داخلی خود را حداکثر بعد از ۳ سال با مقاصد و اهداف این بخشنامه منطبق سازند. اولین کشور انگلستان در سال ۱۹۸۷ و آخرین آن اسپانیا در ۱۹۹۴ مواد بخشنامه را در قوانین داخلی خود وارد کردند. تنها کشور فرانسه تاکنون بدلائل متعددی که از حوصله این مقاله خارج است، نتوانسته آنرا در قانون داخلی خود مندرج کند. آخرین پروژه قانونی در سال ۱۹۹۰ که توسط وزارت دادگستری به مجلس رفت در اواخر سال ۱۹۹۲ بدلیل ایرادات متعدد پس گرفته شد و فعلاً پروژه دیگری در وزارت دادگستری در دست تهیه است که در سال ۱۹۹۳ به مجلس عرضه و عنوان پروژه مادام کاتالارا به خود گرفته است. عدم درج به موقع این بخشنامه در قانون داخلی فرانسه مسئولیت دولتی فرانسه را در قبال جامعه مشترک مطرح ساخته است و بارها منجر به محکومیت فرانسه شده است^{۱۷}. امروزه مسلم است که بهترین شیوه جلوگیری از تعارض قوانین، متحد نمودن قوانین ماهوی همه کشورهاست. این است که هم در سطح پیمانهای منطقه‌ای و هم در سطح سازمان ملل تلاش‌های بسیاری صورت می‌گیرد که قوانین مادی و داخلی کشورها متحدالشکل شوند. آنچه که از ویژگی‌های این دستورالعمل است، پذیرفته شدن اصول آن در بسیاری از کشورهاست و بدین ترتیب می‌رود که جنبه بین‌المللی بخود بگیرد.

۱۶- عبارت بخشنامه (Directive) که شاید ترجمه درستی نباشد رادر مقابل (Réglement) و رأی (Décision) به کار برده ایم. برای ملاحظه تعاریف هر کدام که به حقوق اروثاقی مشتق شده (Droit communautaire dérivé) معروفند، نگاه کنید به رساله دکتری نویسنده نائث شده در اوتل ۱۹۹۷ در فرانسه

۱۷- رجوع شود به رساله دکتری فوق الذکر.

ویژگی‌های این رژیم مسئولیت :

رژیم مسئولیت جدید بر خلاف رژیم‌های سنتی مسئولیت که بر *خطا* استوار گردیده اند (چه در شکل قراردادی و چه غیر قراردادی)، مبتنی بر *خطر* است. به این معنا که متضرر چه طرف قرارداد باشد چه ثالث از قرارداد، لازم نیست برای طرح مسئولیت فروشنده و یا سازنده، خطای وی را ثابت کند. همین که وجود نقص در هنگام انعقاد بیع و ایجاد ضرر و رابطه سببیت بین نقص و ضرر مسلم شد، مسئولیت سازنده محرز می‌گردد و اثبات امر دیگری لازم نیست.

دومین ویژگی منحصر بفرد این رژیم این است که در جهت منفعت تمام متضررین وضع گردیده و ثالث از قرارداد که طرف قرارداد با سازنده و فروشنده حرفه‌ای نیست، نیز به اندازه طرفین قرارداد از این رژیم بهره‌مند می‌شود. لذا دیگر لازم نیست که حتماً طبیعت مسئولیت را بدواً روشن نموده و آنگاه حسب مورد مسئولیت قراردادی و یا غیر قراردادی سازنده را مطرح کنیم. این رژیم مسئولیت مثل آنچه در حقوق اسلام در باب ضمان می‌آید، بیشتر به جبران خسارات وارده می‌اندیشد و خود را مشغول یک تقسیم بندی غیر کارا نمی‌کند که متعاقباً با مشکل تعیین مرز دقیق بین این دو مواجه شود که آیا مسئولیت قراردادی بود یا غیر قراردادی. البته، این بخشنامه مربوط به رژیم جبران خسارات بود و الا اصل تعهد به ایمنی کالا که در فاز پیش گیری از ورود ضرر بیشتر مطرح می‌گردد، توسط بخشنامه دیگری در سال ۱۹۹۲ در سطح جامعه اروپا مطرح شده است. در خصوص این دومی (*Obligation générale de sécurité*) حقوق داخلی فرانسه پیش‌تاز بوده زیرا از سال ۱۹۸۳ توسط قانون ۳ ژوئیه همین سال تعهد مذکور در حقوق فرانسه وجود داشته است. مواد این قانون در کد مصرف سال ۱۹۹۴ باز نویسی شده است.

۶- تعهد به دادن اطلاعات در مورد نحوه استفاده از کالا

به منظور تکمیل حقوق مصرف کننده، دادگاه‌های فرانسه فروشنده حرفه‌ای را به دادن اطلاعات راجع به نحوه استفاده از کالا اجبار کرده اند. مبنای این تعهد می‌تواند ماده ۱۱۳۵ (اصل انصاف) در قراردادها و همچنین ماده ۱۱۳۴ بند ۳ (حسن نیت قراردادی) و یا همان مواد مربوط به لزوم وجود عنصر رضایت در انعقاد قرارداد (مواد ۱۱۱۰ و ۱۱۱۶) باشد. این تعهد چنین تعریف شده است: تعهد تحمیل شده بر تمامی فروشندگان حرفه‌ای بدادن کلیه اطلاعات لازم به خریدار در خصوص نحوه بکار گیری مبیع می‌باشد. این اطلاعات شامل شکل استفاده، احتیاطات لازم، موانع قانونی در خصوص استفاده از آن، دستورات حفاظتی و نگهداری آن، احتیاطات تأمینی وجود مضار احتمالی در جهت استفاده از آن برای خریدار و خلاصه تمامی آنچه در خصوص یک کالا دانستن آن لازم است می‌باشد. در حقیقت، رویه قضائی با این تعهد نمی‌خواسته که نابرابری بین خریدار و فروشنده وجود داشته باشد و از این جهت فروشنده در یک موقعیت برتر قرار گیرد.^{۱۸}

در اینکه آیا تعهد به اطلاعات به نوبه خود به تعهدات مختلفی تقسیم می‌شود یا نه، اختلاف نظر هست و آنهایی هم که قایل به تعدد هستند، ملاک‌های متفاوتی ارائه می‌دهند که معروف ترین آنها تفاوت بین تعهد قراردادی اطلاعات و تعهد غیر قراردادی (یاما قبل قراردادی) اطلاعات است. آنچه که در خصوص عقد بیع و

^{۱۸} Ghestin, formation 1993, n°64 et s.

اطلاعات لازمه کالا است، تعهد فروشنده تعهد قراردادی است. تفاوت این دو تعهد در این است که اولی (تعهد قراردادی به دادن اطلاعات) در مرحله اجرای قرارداد وارد می‌شود، درحالی که تعهد غیر قراردادی اطلاعات در مرحله انعقاد بر عهده فروشنده بار می‌شود. مبنای این تقسیم بندی بر مبنای زمان لزوم ارائه اطلاعات می باشد. بدین معنی که اگر تعهد مذکور در مرحله/تعقد قرارداد لازم شود، ما قبل قراردادی و اگر در زمان/اجرای آن لازم گردد، قراردادی خواهد بود. فی المثل بنگاه معاملات ملک نسبت به مشتریان خود تعهد مقابل قراردادی دارد. او باید آنها را از تمام مزایا و مضار موضوع معامله آگاه سازد ولی تعهدفروشنده به درج جمله «قابل/انفجار» برای یک کالای شیمیائی، قراردادی تلقی شده است.

این تعهد بنوبه خود از تعهد بدادن مشورت Obligation de conseil ممتاز می‌گردد که مرحله‌ای فراتر و وسیع تر و سنگین تر از تعهد به دادن اطلاعات است بدین گونه که فروشنده باید به گونه‌ای خریدار را از اطلاعات کالا آگاه کند، که در جهت دهی و تصمیم مشتری موثر باشد و تمام آثار این تصمیم و همچنین زمان انعقاد قرارداد را برای وی بیان نموده و در یک جمله «تمامی توصیه های لازم» را به وی بکند.

این تعهد بخصوص در مورد کالات پیچیده مثل مواد انفورماتیک، کامپیوتر و امثالهم یا مواد تازه به بازار عرضه شده با دقت بیشتری اعمال می‌گردد. تشابه این تعهد به دادن مشورت با تعهد به حفاظت کالا (obligation de garde de structure) بسیار است. در تعهد به دادن مشورت فروشنده لازم است اطلاعات وسیعتری را در اختیار خریدار بگذارد و بر خلاف تعهد به حفاظت از کالا که بر جنبه های منفی دست گذاشته شده از خطرهای احتمالی کالا پرهیز داده می‌شود، تعهد به مشورت بیشتر متوجه آگاهی دادن از جنبه‌های مثبت کالا است.

در تعهد به اطلاعات، اطلاعات مذکور باید بطور واضح و خواندنی بر روی کالا حک شده و یا در دفترچه جدا گانه و با زبان رایج محل استفاده چاپ شده باشد به گونه‌ای که توجه خریدار را به خود جلب کند مثلاً در یک قسمت اختصاصی تحت عنوان احتیاط درج شود.

تعهد به اطلاعات در مورد داروها شدیدتر عمل شده است. در صورت کشف خطر برای یک دارو، سریعاً داروی مذکور از بازار جمع آوری شده و اجازه قانونی تولید آن پس گرفته می‌شود. بخشنامه اروپایی ۱۹۹۲ در مورد تعهد عمومی به امنیت، آئین نامه خاصی را برای تسریع در جمع‌آوری داروی خطرناک و اطلاع عموم از خطر آن پیش‌بینی می‌کند.

باین که تعهد به امنیت با تعهد به اطلاعات مبنای مشترکی در کد سیویل دارند (اصل انصاف موضوع ماده ۱۱۳۵)، تفاوت این دو تعهد متوجه هدفی است که از هر کدام جستجو می‌شود. در تعهد به امنیت، متضرر باید عیب کالا و خسارات ناشی از آن را اثبات کرده و همچنین رابطه سببیت بین عیب و ایراد خسارت را ثابت کند تا بتواند خسارات وارده به خود را جبران کند، در حالی که دعوی مبتنی بر تخلف از تعهد به دادن اطلاعات، متضرر کافی است عدم تحویل این اطلاعات را توسط فروشنده ثابت کند و می‌تواند اگر کالا را تحویل نگرفته، قرارداد را فسخ و اگر آنرا تحویل گرفته، خسارت بخواهد.

بهر حال تعهد به دادن اطلاعات، تعهد مستقلی از ضمانت عیب کالا است. یک وقت است خود کالا نقص دارد یک وقت اطلاعات لازمه برای بکارگیری آن.

سانکسیون تعهد قراردادی به اطلاعات، با تعهد ماقبل قراردادی، متفاوت است. اگر از این تعهد در مرحله انعقاد تخلف شده باشد، رضایت خریدار زیر سؤال می‌رود. لذا مواد ۱۱۱۰ و ۱۱۱۶ کد سیویل قابلیت اجرا پیدا می‌کنند و منجر به **بطلان** قرارداد می‌گردند و البته، متعاقب این بطلان تحت مواد مربوط به مسئولیت غیر قراردادی موضوع ماده ۱۳۸۲ نیز می‌توان جبران خسارات وارده را مطالبه نمود. ولی اگر از این تعهد در مرحله اجرا تخلف شده باشد (تعهد قراردادی) سانکسیون آن همان موارد مربوط به تخلفات قراردادی موضوع ماده ۱۱۴۷ کد سیویل است و به هر حال، بطلان قرارداد را موجب نمی‌شود.

گزیده منابع و مأخذ:

- 1-La vente international des marchandise, Bernard AUDIT, éd. 1990, LGDJ, paris
- 2-Les prétendus concours d'actions et le contrat de vente, Olivier TOURNAFOND, Rec. Dalloz, 1989, Chronique p. 237
- 3-Ne mélangeon plus conformité et sécurité, J. CALAIS AULOY rec. dalloz, 1993, p.130
- 4-l'action en responsabilité entre paritcipants à une chaîne de contrats, G. VINEY, مقاله در Mélanges dédié à Dominique Holleux, éd. Litec, 1990 p. 401
- 5-De l'obligation de renseignement dant les contrats, 1993, thèse, F. MAGNAN, éd
- 6- Sous-traitance et responsabilité, M. AZNCOT, Les petites affiches, 1993, n° 90
- 7-Code de la consommation 1994 و همچنین Code civil 1804
- 8-Traité des obligations, le contrat, formation, J. GHESTIN, éd. 1992
- 9-La responsabilité, conditions, G. VINEY, 1982
- 10-De l'allégement de l'obligation de renseignement ou de conseil, Rec. Dalloz, 1987 P. 101
- 11-La notion de l'obligaion de grantie dans le droit des contrats, GROSSE, thèse éd. LGDJ 1964
- 12-Droit civil, Les contrats spéciaux, Malaurie et Aynés 8ém éd. 1994-1995
- 13-juris-Classeur de droit civil, J. HUET, art. 1641 à 1648, mise à jour 5/1994
- 14-Revue Trimestriel de droit civil, 1992, p.114, note, Patrice JOURDIN
- 15-J.C.P. 1986, II, n° 2016 note: P. MALAINVAUD
- 16-Rev. Trim. Droit Commercial, 1986, p. 546, note : Hémard BOULOC
- 17-L'obligation de délivrance conforme, C. ATIAS, Rec. Dalloz, 1991 ch. p.1
- 18-conformité et vice caché dans la vente : L'éclaircie (arrêt de 27 oct. et 8 déc. 1993), Alin BENABANT, Rec. Dalloz, 1994, ch. p. 115
- 19-La distincton de vices caché et non conformité, C. ATIAS, rec. Dalloz, 1993 ch. p.266
- 20- J.C.P. 1992, note commenté de l'arrêt de 1er civil, 29 jan. 1991, n° 21935 note Cathrine GINESTET
- 21- آراء مختلف از بولتن سیویل